

عفو بين الملل

گزارش سالانه ۲۰۱۷

وضعیت جهانی حقوق بشر



AMNESTY
INTERNATIONAL



عفو بین‌الملل جنبشی جهانی با بیش از هفت میلیون عضو است

تلاش این سازمان رسیدن به جهانی است

که در آن همه انسان‌ها از حقوق بشر برخوردار باشند.

چشم انداز ما بهره‌مندی یکایک انسان‌ها از کلیه حقوقی است

که در بیانیه جهانی حقوق بشر و سایر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌اند.

ما به هیچ دولت، ایدئولوژی سیاسی، مذهبی یا منافع اقتصادی وابسته نیستیم

و عمده بودجه خود را از طریق حق عضویت و کمک‌های مردمی تامین می‌کنیم

به جز مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین

«Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیرتجاری، بدون اشتقاق، بین‌المللی، نسخه ۴.۰)

قرار دارد.

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/legalcode>

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید: www.amnesty.org

جایی که بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین‌الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی‌گیرد.

این گزارش اولین بار در سال ۲۰۱۸ توسط عفو بین‌الملل با مسئولیت محدود، به آدرس ساختمان پیتر پینسن، شماره یک خیابان ایستن، لندن، کدپستی WC1X 0DW بریتانیا منتشر شد.

شماره ایندکس: POL 10/6700/2018

زبان متن اصلی: انگلیسی

فهرست

۱	گزارش سالانه عفو بین الملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران
۱	پیشینه
۱	آزادی بیان، تشکل و گردهمایی
۳	شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر
۳	مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تزدیلی
۴	محاکمات ناعادلانه
۴	آزادی عقیده و مذهب
۵	تبعیض علیه اقلیت‌های اتنیک
۶	تبعیض علیه زنان و دختران
۷	تبعیض علیه افراد معلول و افراد اچ آی وی مثبت
۷	مجازات اعدام
۹	وضعیت حقوق بشر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۷
۹	آزادی بیان، تشکل و گردهمایی
۹	سرکوب‌ها در مصر و عربستان سعودی
۱۰	حملات به روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر
۱۱	سرکوب اینترنتی
۱۱	بحران سیاسی خلیج فارس
۱۱	مبارزه جامعه مدنی
۱۲	آزادی عقیده و مذهب
۱۲	تخطی‌های گروه‌های مسلح
۱۲	محدودیت‌های دولتی
۱۲	حقوق زنان
۱۳	حقوق زنان و مردان همجنسگرا، افراد ترنسجندر و افراد بیناجنسی
۱۴	حق کار
۱۴	اتحادیه‌های کارگری
۱۴	حقوق کارگران مهاجر
۱۴	حق مسکن، آب و سلامتی
۱۴	اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین
۱۵	آب، بهداشت و سلامت
۱۵	مبارزه با تروریسم و امنیت
۱۶	مجازات اعدام
۱۶	درگیری‌های نظامی
۱۶	درگیری یمن
۱۷	واکنش بین‌المللی به حکومت اسلامی
۱۷	محاصره و تغییر مکان غیرنظامیان در سوریه

۱۷	اقلیم کردستان عراق
۱۸	بی‌قانونی در لیبی
۱۸	مصونیت از مجازات
۱۸	پیشرفت‌های آهسته

گزارش سالانه عفو بین الملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران

مقامات حق آزادی بیان، تشکل و گردهمایی مسالمت‌آمیز و همچنین آزادی مذهب و عقیده را به شدت سرکوب و بسیاری از افرادی که دست به انتقاد زدند را زندانی کردند. محاکمات از اساس و به طور نظام‌مند ناعادلانه بودند. شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها متداول و همراه با مصونیت صورت می‌گرفت. شلاق، قطع عضو و دیگر مجازات‌های بی‌رحمانه به اجرا گذاشته شد. مقامات به اعمال گسترده تبعیض و خشونت بر مبنای جنسیت، عقیده سیاسی، باور مذهبی، قومیت، معلولیت، گرایش جنسی و هویت جنسیتی ادامه دادند. صدها نفر از جمله برخی در ملاءعام اعدام شدند و هزاران نفر در صف اعدام باقی ماندند. در میان آنها افرادی بودند که در هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند.

پیشینه

در ماه مارس، شورای حقوق بشر سازمان ملل ماموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تمدید کرد؛ مقامات ایران از دادن اجازه ورود او و دیگر کارشناسان سازمان ملل به کشور سر باز زدند.

در ماه مه پس از یک روند انتخاباتی تبعیض‌آمیز و رد صلاحیت صدها نامزد انتخاباتی بر اساس جنسیت، مذهب و عقیده سیاسی، حسن روحانی مجدداً به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. انتصاب افراد متهم به تخطی‌های جدی حقوق بشری به مناصب وزارتی انتقادهای عمومی را برانگیخت.

اتحادیه اروپا و ایران به سمت تمدید گفتوگوهای دوجانبه حقوق بشری حرکت کردند. همزمان چندین مدافع حقوق بشر به دلیل تماس با مقامات اتحادیه اروپا و سازمان ملل در حبس به سر بردند. چندین دولت از جمله دولت استرالیا، سوئد و سوئیس نیز گفتوگوهای دوجانبه حقوق بشری را با ایران آغاز کردند.

در اواخر ماه دسامبر هزاران ایرانی در اعتراض به فقر، فساد و سرکوب سیاسی به خیابان ریختند و اولین تظاهرات ضد حکومتی در چنین مقیاسی بعد از تظاهرات سال ۲۰۰۹ را شکل دادند.

آزادی بیان، تشکل و گردهمایی

مقامات به سرکوب شدید حق آزادی بیان، تشکل و گردهمایی مسالمت‌آمیز ادامه داده و بسیاری از منتقدان مسالمت‌جو را بر اساس اتهامات ساختگی امنیتی به زندان انداختند. در میان این افراد مخالفان سیاسی مسالمت‌جو، روزنامه‌نگاران، فعالان رسانه‌های آنلاین، دانشجویان، فیلم‌سازان، موسیقی‌دانان و نویسندگان و نیز مدافعان حقوق بشر از جمله فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق اقلیت‌ها، فعالان محیط زیست، فعالان اتحادیه‌های کارگری، فعالان کارزارهای مخالفت با اعدام، وکلا و آنهایی بودند که در پی حقیقت، دادخواهی و جبران خسارت در رابطه با اعدام‌های جمعی و ناپدید شدن‌های اجباری دهه‌ی ۶۰ هستند.

گزارش سالانه ۲۰۱۷

وضعیت جهانی حقوق بشر

عفو بین‌الملل

بسیاری از زندانیان عقیدتی در اعتراض به حبس ناعادلانه خود دست به اعتصاب غذا زدند.

مقامات پس از تظاهرات ضد حکومتی که در پایان ماه دسامبر در سراسر کشور آغاز شد صدها نفر از معترضان را بازداشت کردند. گزارشات حاکی از آن بود که نیروهای امنیتی معترضان غیرمسلح را توسط سلاح گرم و با استفاده بیش از حد از نیروی قهریه کشته یا زخمی کردند. در روز ۳۱ دسامبر وزیر ارتباطات و فن آوری اطلاعات دسترسی به اینستاگرام و برنامه پیام‌رسان محبوب تلگرام را که توسط فعالان برای تبلیغ و حمایت از اعتراضات استفاده می‌شد، مسدود کرد.

پیشتر، مقامات قضایی با فشار مداوم بر وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات خواستار آن شده بودند که از تلگرام بخواهد سرورهای خود را به ایران منتقل کند و ده‌ها هزار کانال تلگرامی را که طبق گفته قوه قضاییه «امنیت ملی را تهدید می‌کردند» یا «به مقدسات دینی توهین می‌کردند» مسدود کند. تلگرام اظهار داشت که هر دو درخواست را رد کرده است.

دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک، توئیتر و یوتیوب همچنان مسدود ماندند.

در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه مه، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌های آنلاین با موج جدیدی از بازجویی‌های شدید و دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه روبرو شدند. افرادی که از تلگرام استفاده می‌کردند به ویژه در آماج محکومیت‌های شدید حبس که برخی از آنها از ده سال تجاوز می‌کرد قرار گرفتند.

آزادی بیان در حوزه موسیقی نیز محدود ماند. زنان همچنان از آواز خواندن در اماکن عمومی منع شدند و مقامات به لغو اجباری کنسرت‌ها ادامه دادند. در ماه اوت، صدها تن از هنرمندان از حسن روحانی تقاضا کردند که به این محدودیت‌ها پایان دهد.

مقامات حمله‌های خشونت‌آمیز خود به مهمانی‌های مختلط خصوصی را ادامه داده، صدها جوان را دستگیر و بسیاری از آنها را به شلاق محکوم کردند.

سانسور در تمام رسانه‌ها و انداختن پارازیت بر روی کانال‌های ماهواره‌ای خارجی ادامه پیدا کرد. مقامات قضایی آزار و اذیت روزنامه‌نگاران بخش فارسی بی بی سی را تشدید و اقدام به مسدود کردن دارایی‌های ۱۵۲ نفر از کارکنان و همکاران فعلی و پیشین بخش فارسی بی بی سی و منع آن‌ها از انجام معاملات مالی کردند.

انجمن روزنامه‌نگاران در حالت تعلیق باقی ماند.

تعداد بسیاری از دانشجویان به تلافی مشارکت در فعالیت‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز و علیرغم وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی، از دسترسی به تحصیلات عالی باز ماندند.

ممنوعیت ایجاد اتحادیه‌های کارگری مستقل ادامه یافت و چندین فعال حقوق کارگری به‌طور ناعادلانه زندانی شدند. نیروهای امنیتی به سرکوب خشونت‌آمیز تجمعات مسالمت‌آمیز کارگران از جمله تجمعات روز جهانی کارگران ادامه دادند.

تعداد زیادی از فعالان محیط زیست به دلیل مشارکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه آلودگی هوا، خشک شدن دریاچه‌ها، پروژه‌های تغییر مسیر رودخانه‌ها و عملیات تخلیه زباله مورد احضار، بازجویی، بازداشت و محاکمه قرار گرفتند.

رهبران مخالفین مهدی کروبی و میرحسین موسوی و همسر وی زهرا رهنورد بدون اتهام و محاکمه از سال ۲۰۱۱ تحت بازداشت خانگی به سر می‌برند.

شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر

شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر به ویژه در دوران بازجویی متداول بود. بازداشت‌شدگان تحت نظارت وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران غالباً برای مدت طولانی در سلول‌های انفرادی نگه داشته شدند که مصداق شکنجه است.

مقامات به طور سازمان‌یافته از انجام تحقیقات درباره مدعیات مربوط به شکنجه و مردود شمردن «اعترافات» به دست آمده شکنجه سرباز زدند.

ممانعت مقامات از دسترسی زندانیان سیاسی به مراقبت‌های پزشکی مناسب ادامه یافت. در بسیاری از موارد این کار به عنوان مجازات تعمدی یا برای «اعتراف‌گیری» انجام می‌گرفت و از این جهت مصداق شکنجه بود.

زندان‌های شرایط بیرحمانه و غیرانسانی از جمله ازدیاد جمعیت، محدودیت دسترسی به آب گرم، غذای نامناسب، تخت ناکافی، عدم تهویه مناسب و رخنه سوسک و حشرات در محل زندان را تحمل کردند.

بیش از دوازده زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر کرج بین ماه‌های ژوئیه و سپتامبر در اعتراض به شرایط وخیم زندان دست به اعتصاب غذای طولانی مدت زدند. برخی از آنها با اقدامات تلافی‌جویانه از جمله محرومیت از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، انتقال به سلول انفرادی و تشکیل پرونده‌های کیفری جدید مواجه شدند.

مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی و تزدیلی

مقامات قضایی به صدور و اجرای مجازات‌های بیرحمانه و غیرانسانی که نوعی شکنجه محسوب می‌شوند ادامه دادند. این مجازات‌ها در برخی موارد در ملاء عام به اجرا گذاشته شد.

افراد بسیاری از جمله کودکان برای دزدی و ضرب و شتم و نیز برای اعمالی همچون داشتن روابط خارج از ازدواج، شرکت در مهمانی‌های مختلط، مصرف مواد غذایی در ملاء عام در ماه رمضان و شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز که از نظر قوانین بین‌الملل نباید جرم محسوب شوند، با مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق روبرو شدند.

در ماه ژانویه روزنامه‌نگار حسین موحدی در نجف‌آباد در استان اصفهان پس از اینکه دادگاه او را به دلیل گزارش غیردقیق در مورد تعداد موتورسیکلت‌های توقیف شده در شهر توسط پلیس مجرم شناخت، ۴۰ ضربه شلاق خورد. در ماه اوت یک دادگاه کیفری در استان مرکزی فعال حقوق کارگری شاپور احسانی‌راد را به ۳۰ ضربه شلاق و شش ماه زندان برای شرکت در یک تجمع علیه شرایط ناعادلانه کار محکوم کرد.

در ماه فوریه دیوان عالی حکم کور کردن چشم یک زن را که پیشتر توسط یک دادگاه کیفری در استان کهگیلویه و بویراحمد صادر شده بود تایید کرد.

تعداد زیادی حکم قطع عضو نیز صادر و سپس توسط دیوان عالی تایید شدند. در ماه آوریل مسئولان قضایی در شیراز در استان فارس دست حمید معینی را قطع و پس از ۱۰ روز او را اعدام کردند. او به جرم قتل و سرقت محکوم شده بود. حداقل چهار مورد قطع عضو دیگر برای سرقت اجرا شد.

مسئولان همچنین دست به اجرای مجازات‌های ترحیمی زدند. در ماه آوریل سه مرد به اتهام انسان‌ربایی و دیگر جرایم با دستان بسته و آفتابه به دور گردن در اطراف دهلران در استان ایلام گردانده شدند. هشت مرد دیگر به طور مشابه در پاکدشت در استان تهران در ماه ژوئیه تحقیر شدند.

در ماه مه زنی که به دلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج دستگیر شده بود توسط یک دادگاه کیفری در تهران به شستن اجساد به مدت دو سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. مرد دخیل در این رابطه به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

محاكمات ناعادلانه

محاكمات از جمله آن‌هایی که به احکام اعدام منجر می‌شد از اساس و به‌طور نظام‌مند ناعادلانه بودند. هیچ سازوکار مستقلی برای تضمین پاسخگویی و حساب‌دهی در قوه قضاییه وجود نداشت. نگرانی‌های جدی در مورد انتصاب قضات به ویژه قضات دادگاه‌های انقلاب بر مبنای عقیده سیاسی و ارتباط با نهادهای اطلاعاتی و عدم برخورداری قضات از تحصیلات حقوقی، به قوت خود باقی ماند.

مفاد قانون جدید آیین دادرسی کیفری در خصوص دادرسی منصفانه از جمله تضمین دسترسی به وکیل از زمان دستگیری و در طول تحقیقات دائماً مورد بی توجهی قرار گرفت. مقامات همچنان با استناد به ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری از دسترسی افراد بازداشت شده به دلایل سیاسی به وکیل منتخب خود جلوگیری می‌کردند. علارغم عدم انتشار هرگونه لیست رسمی، به وکلا مرتباً گفته می‌شد که در لیست تایید شده توسط رئیس قوه قضاییه قرار ندارند.

محاكمات به‌ویژه آن‌هایی که در دادگاه‌های انقلاب برگزار می‌شد محرمانه و به‌شدت کوتاه بوده و در برخی اوقات فقط چند دقیقه به طول می‌انجامید.

اتباع خارجی و ایرانیان دوتابعیتی همچنان مورد دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه، محاكمات به‌شدت ناعادلانه و حبس‌های طولانی مدت قرار گرفتند. مقامات بر این ادعا بودند که در پی خنثی کردن «پروژه‌های نفوذ» طراحی شده توسط بیگانگان هستند. در واقعیت، چنین افرادی اغلب به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حق آزادی بیان و ارتباطات خود به جرائم مبهم مرتبط با امنیت ملی متهم می‌شدند.

آزادی عقیده و مذهب

آزادی عقیده و مذهب در قانون و عمل به طور سازمان یافته‌ای نقض شد. مقامات همچنان افراد متعلق به همه باورها و مذاهب را وادار به رعایت مجموعه‌ای از قوانین و مقررات رفتار اجتماعی که برگرفته از یک تفسیر سخت‌گیرانه از اسلام شیعه است، می‌کردند. همه افراد جز مسلمانان شیعه از فرصت معرفی خود به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری یا دریافت پست‌های سیاسی کلیدی محروم شدند.

حملات وسیع و سازمان یافته علیه اقلیت بهایی ادامه یافت. این حملات شامل دستگیری‌های خودسرانه، حبس‌های طولانی مدت، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر، تعطیلی اجباری کسب و کار بهاییان، صادره اموال بهاییان، ممنوعیت استخدام آن‌ها در بخش دولتی و عدم پذیرش در دانشگاه‌ها می‌شد. مقامات به طور منظم به نفرت‌پراکنی و تشویق به خشونت پرداخته و بهاییان را به عنوان «مرتد» و «نجس» بدنام می‌کردند. آزادی دو مرد با قید وثیقه که به قتل فرهنگ امیری به دلیل بهایی بودن او اعتراف کرده بودند، به نگرانی‌های موجود درباره امکان برخورداری از مصونیت از مجازات در صورت ارتکاب جرائم ناشی از حس نفرت دامن زد.

دیگر اقلیت‌های مذهبی که تحت قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند مانند یارسان (اهل حق) نیز با تبعیض سازمان یافته از جمله در آموزش و پرورش و استخدام روبرو شده و به دلیل اجرای دین خود مورد آزار و اذیت واقع شدند.

نقض حق تغییر یا ترک عقاید مذهبی نیز ادامه یافت. افرادی که به مسیحیت گرویدند به مجازات‌های شدید حبس در برخی موارد از ۱۰ تا ۱۵ سال محکوم شدند. حمله به کلیساهای خانگی ادامه یافت.

درویش‌های گنابادی با احکام حبس و یورش به اماکن عبادتی خود مواجه شدند. تعدادی به طور خودسرانه از کار اخراج شدند یا از پذیرش آن‌ها در دانشگاه خودداری شد.

کسانی که خود را خداناباور می‌دانند در صورت ابراز عقایدشان در خطر دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر و مجازات مرگ به دلیل «ارتداد» قرار می‌گرفتند.

مسلمانان سنی از ادامه تبعیض از جمله محدودیت در برگزاری نمازهای جداگانه برای مراسم عید فطر و ممانعت از گرفتن پست‌های عالی مرتبه گزارش دادند.

در اقدامی بی‌سابقه و مغایر با روند قانونی جاافتاده، دیوان عدالت اداری در ماه اکتبر عضویت سپنتا نیکنام، یکی از اعضای زرتشتی شواری شهر یزد، را طبق نظر دبیر شورای نگهبان به حالت تعلیق درآورد. دبیر شورای نگهبان گفته است که حاکمیت غیرمسلمان بر مسلمان برخلاف قانون شریعت است.

دست کم دو نفر به دلیل اجرای مسالمت‌آمیز حق آزادی عقیده و مذهب خود به اعدام محکوم شدند (برای جزئیات بیشتر به بخش آخر رجوع کنید).

تبعیض علیه اقلیت‌های اتنیکی

اقلیت‌های اتنیکی از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ‌ها، کردها و ترکمن‌ها در معرض تبعیض‌های نهادینه باقی ماندند که دسترسی آنها به آموزش و پرورش، اشتغال، مسکن مناسب و پست‌های سیاسی را محدود می‌کرد.

استمرار بی‌توجهی به شرایط اقتصادی مناطق اقلیت‌نشین، موجب تعمیق بیشتر فقر و به حاشیه رانده شدن شد. در استان سیستان و بلوچستان ساکنین بسیاری از روستاها از عدم دسترسی به آب، برق، مدارس و خدمات درمانی خبر دادند. این استان محروم هنوز دارای نرخ بالای بی‌سوادی در میان دختران و نرخ بالای مرگ و میر نوزادان است.

آموزش و تعلیم در سطوح ابتدایی و متوسط همچنان تنها از طریق زبان فارسی انجام گرفت و این موضوع در افزایش ترک تحصیل در مناطق اقلیت‌نشین موثر تلقی شد.

انتقادات از عدم اتخاذ اقداماتی که ضامن خودگردانی اقلیت‌ها باشد ادامه داشت.

اعضای اقلیت‌هایی که علیه نقض حقوق خود اعتراض می‌کردند با دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر، محاکمات به‌شدت ناعادلانه، حبس و مجازات اعدام روبرو شدند. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی به‌طور مداوم فعالان حقوق اقلیت‌ها را به حمایت از «جریان‌های تجزیه‌طلب» و به خطر انداختن تمامیت ارضی ایران متهم می‌کردند.

ماموران مرزی ایران با مصونیت کامل از مجازات به شلیک غیرقانونی و کشتار تعدادی زیادی از مردان کرد غیرمسلح که معروف به «کولبر» هستند و در مرز بین کردستان ایران و عراق کالا حمل می‌کنند، ادامه دادند. در ماه سپتامبر نیروهای امنیتی تظاهراتی که در بانه و سنندج در اعتراض به تیراندازی‌های مهلک به دو کولبر شکل گرفتند را به‌طور خشونت‌آمیز سرکوب و تعداد زیادی را بازداشت کردند.

در ماه سپتامبر هنگامی که اعضای اقلیت کرد ایران گردهمایی‌هایی در حمایت از همه‌پرسی استقلال در منطقه کردستان عراق برگزار کردند، استان کردستان شاهد حضور سنگین نیروهای پلیس شد. تعداد زیادی طبق گزارشات دستگیر شدند.

در ماه ژوئن نیروهای امنیتی پیش از تعطیلات عید فطر در اهواز مستقر شدند تا از گردهمایی برنامه‌ریزی شده در اعلام همبستگی با خانواده های اعراب اهوازی که به دلایل سیاسی حبس یا اعدام شدند، جلوگیری کنند. بیش از دوازده نفر به‌طور خودسرانه بازداشت و افراد بیشتری برای بازجویی احضار شدند. مدافع حقوق بشر عرب محمد علی عموری همچنان در صف اعدام قرار دارد.

تبعیض علیه زنان و دختران

زنان در قانون و عمل تحت تبعیض‌های نهادینه شده قرار گرفتند از جمله در دسترسی به حق طلاق، اشتغال، ارث برابر، مناصب سیاسی و در حوزه‌ی قوانین خانواده و قوانین کیفری.

اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان و دختران مانند خشونت خانگی و ازدواج‌های زود هنگام و اجباری به‌طور گسترده و با مصونیت از مجازات ارتکاب یافتند. مقامات از جرم انگاری خشونت‌های جنسیتی بازماندند؛ پیش نویس لایحه‌ای در این مورد از سال ۲۰۱۲ در حال تعلیق مانده است. سن قانونی برای ازدواج دختران ۱۳ سال باقی ماند و پدران و پدربزرگان می‌توانستند برای ازدواج دختران حتی در سنین پایینتر از دادگاه کسب اجازه کنند.

همه ۱۳۷ زنی که برای نامزدی ریاست‌جمهوری ثبت نام کردند توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. حسن روحانی با وجود درخواست های جامعه مدنی هیچ وزیر زنی را در کابینه خود ننگجاند.

حجاب اجباری دست پلیس و نیروهای بسیج را باز گذاشت که زنان را به دلیل نشان دادن مو از زیر روسری خود یا برای داشتن آرایش غلیظ یا لباس تنگ آزار و اذیت و بازداشت کنند. زنانی که علیه حجاب اجباری کارزار به راه انداختند به طور سازمان یافته و با حمایت حکومت مورد افترا و اتهام زنی قرار گرفتند.

زنان ایرانی به موجب قانون مدنی از حق انتقال تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج با مردان غیرایرانی محروم ماندند، حتی که مردان ایرانی مزدوج با زنان خارجی از آن برخوردار هستند.

مقامات در برابر فشارهای مداوم مردمی برای بازکردن استادیوم‌های فوتبال به روی تماشاچیان زن مقاومت کردند.

با عدم احیای بودجه‌ی برنامه‌های تنظیم خانواده که از سال ۲۰۱۲ قطع شده است، زنان با محدودیت در دسترسی به وسایل ضدبارداری روبه رو شدند. مجلس در ماه اکتبر قانونی را تصویب کرد که محدودیت‌های شدیدی بر انتشار اطلاعات در مورد راه‌های پیشگیری از بارداری اعمال می‌کند.

مسئولان به کنترل و محدود کردن سفرهای خارجی فعالان حقوق زنان ادامه دادند. عالییه مطلب‌زاده در ماه اوت به دلیل شرکت در یک کارگاه آموزشی در گرجستان در مورد «توانمندسازی زنان و انتخابات» به سه سال حبس محکوم شد.

تبعیض علیه افراد معلول و افراد اچ آی وی مثبت

کمیته حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل عملکرد حقوق بشری ایران را در ماه مارس بررسی کرد. این کمیته تبعیض و خشونت دولتی علیه افراد دارای معلولیت جسمی و ذهنی، عملکرد ضعیف در اجرای استانداردهای مناسب‌سازی بناها و محیط‌ها و امتناع از ایجاد تسهیلات مناسب در محل کار را محکوم کرد. این کمیته همچنین در مورد گزارش‌های مبنی بر بستری کردن اجباری معلولان و درمان‌های پزشکی غیر رضایت‌مندان برای افرادی که بر مبنای هویت جنسیتی و گرایش جنسی‌شان ناتوان تصور می‌شوند، ابراز نگرانی عمیق کرد. در ماه دسامبر مجلس قانونی برای حمایت از حقوق معلولان تصویب کرد که در صورت اجرای درست و کامل آن، استانداردهای مناسب‌سازی فضاهای عمومی و دسترسی به آموزش، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال بهبود می‌یابد.

در ماه اوت وزارت آموزش و پرورش شرایط و ضوابط تبعیض‌آمیزی برای استخدام معلمان اعلام کرد که از جمله آن‌ها بیماری، لوچی چشم، خال صورت، کوتاهی قد و سنگینی وزن بود. به دنبال خشم و اعتراض عمومی، این وزارتخانه وعده اصلاح معیارهای اعلام شده را داد ولی اظهار کرد که افراد اچ آی وی مثبت از حق استخدام به عنوان معلم محروم خواهند ماند چرا که فاقد «صلاحیت اخلاقی» هستند.

مجازات اعدام

مقامات به اعدام صدها نفر پس از محاکمات ناعادلانه ادامه دادند. برخی از اعدامها در ملاءعام انجام شد.

مسئولان کمپین‌های مسالمت‌آمیز علیه مجازات اعدام را همچنان «غیراسلامی» توصیف کرده و فعالان مخالف اعدام را مورد آزار و اذیت قرار داده و زندانی کردند.

اکثر اعدام‌ها به دلیل جرائم مرتبط با مواد مخدر بودند. اصلاحات قانونی که در ماه اکتبر به تصویب رسید مقدار مواد مخدر مورد نیاز برای صدور مجازات اعدام را افزایش داد اما همچنان اعدام را به عنوان مجازات حتمی برای طیف وسیعی از جرائم مرتبط با مواد مخدر حفظ نمود. با وجود اینکه این اصلاحات قانونی جدید عطف به ماسبق می‌شوند، تا پایان سال هنوز روشن نبود که مسئولان چگونه قصد دارند آن‌ها را در خصوص تغییر احکام اعدام کسانی که از قبل در انتظار اعدام قرار داشتند اجرا کنند.

عفو بین‌الملل قادر به تایید اعدام چهار فرد که در هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند و شناسایی پرونده ۹۲ محکوم نوجوان که در خطر اعدام قرار دارند بوده است. آمار واقعی احتمالا بسیار بیشتر از این است. به دلیل اطلاع رسانی و کمپین‌های مردمی چندین اعدام برنامه ریزی شده در آخرین لحظات متوقف شده یا به تعویق افتادند. تعداد زیادی از محکومان نوجوان که پرونده‌شان از جهت ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مورد بازبینی قرار گرفت، پس از ارزیابی‌های سلیقه‌ای و نامشخص برای تشخیص «رشد و کمال عقلی» در هنگام وقوع جرم، مجددا محکوم به اعدام شدند.

مجازات اعدام برای جرائمی مانند «توهین به پیامبر»، «محرابه» و «افساد فی الارض» که از تعریف دقیق برخوردار نیستند، به قوت خود باقی ماند.

در ماه اوت معلم عرفان و زندانی عقیدتی محمد علی طاهری برای بار دوم با اتهام «افساد فی الارض» از طریق ایجاد گروه عرفان حلقه به اعدام محکوم شد؛ در ماه اکتبر دیوان عالی کشور حکم اعدام او را نقض کرد. او هنوز در سلول انفرادی به سر می‌برد.

زندانی عقیدتی مرجان داوری در ماه مارس با اتهام «افساد فی الارض» در ارتباط با عضویت در گروه مذهبی «اکنکار» و ترجمه مطالب آنها به اعدام محکوم شد. دیوان عالی بعدتر حکم اعدام را باطل کرد و پرونده را برای بررسی مجدد به دادگاه انقلاب در تهران فرستاد.

قانون مجازات اسلامی همچنان سنگسار را به عنوان یکی از شیوه‌های اعدام در نظر گرفت.

برخی رفتارهای جنسی همجنس‌گرایانه رضایتمندانه هنوز مشمول مجازات مرگ می‌شد.

وضعیت حقوق بشر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۷

روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر آماج سرکوب‌های دولتی قرار گرفتند و ابراز عقیده در فضای آنلاین به شدت در چند کشور کنترل شد. فعالان جامعه مدنی در برخی مناطق توانستند از تشدید محدودیت‌ها در حوزه آزادی بیان جلوگیری کنند. آزادی عقیده و مذهب در معرض حمله گروه‌های دولتی و شبه نظامی قرار گرفت. جنبش‌های حقوق زنان در برخی کشورها موفق به اصلاح قوانینی که تبعیض و خشونت را علیه زنان نهادینه کرده بود شدند. با این وجود تبعیض سازمان‌یافته در سراسر منطقه در قانون و در عمل باقی ماند و حمایت‌های کافی از زنان در برابر خشونت‌های جنسیتی وجود نداشت. مقامات در برخی کشورها افراد را به دلیل گرایش جنسی واقعی یا متصور دستگیر و مورد پیگرد قانونی قرار دادند و در بسیاری از کشورها روابط جنسی همجنسگرایانه رضایت‌مندانه جرم محسوب گردیده و در برخی موارد مشمول مجازات اعدام شد. در برخی کشورها محدودیت‌های شدیدی در خصوص فعالیت اتحادیه‌های کارگری اعمال شد و کارگران مهاجر همچنان در معرض بدرفتاری و استثمار باقی ماندند. با این وجود، در چند کشور، اصلاحاتی در جهت تامین بهتر امنیت شغلی کارگران مهاجر صورت گرفت. درگیری‌های نظامی تأثیرات ویرانگری بر غیرنظامیان داشت و با تخطی‌های جدی از جمله استفاده از سلاح‌های ممنوع، محاصره غیرقانونی و حمله مستقیم به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی همراه بود. احکام اعدام در تعدادی از کشورهای منطقه صادر و صدها اعدام انجام شد. مصونیت از مجازات برای جرائم گذشته و اخیر همچنان ادامه داشت؛ با این وجود پیشرفت‌هایی در جهت افشای حقیقت و تحقق عدالت برای قربانیان صورت گرفت.

آزادی بیان، تشکل و گردهمایی

دولت‌ها در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت‌های جامعه مدنی در فضای مجازی و غیرمجازی را سرکوب کردند تا از اطلاع رسانی در مورد نقض حقوق بشر و انتقاد از نیروهای دولتی و حامیان آنها جلوگیری و انتقام‌جویی کنند. این اقدامات غالباً به بهانه مقابله با تهدید علیه امنیت ملی یا فساد صورت گرفت. آن‌ها همچنین با توسل بیش از حد به نیروی قهریه تلاش کردند که حرکت‌های اعتراضی خیابانی را سرکوب کنند.

سرکوب‌ها در مصر و عربستان سعودی

در برخی کشورها افزایش سرکوب‌ها با تلاش حاکمان سیاسی برای تثبیت اعتبار خود در انظار جامعه بین‌المللی همراه بود. در مصر با ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی مقامات فعالیت مدافعان حقوق بشر را به طرز بی‌سابقه محدود کرده و اقدام به بستن سازمان‌های غیردولتی یا تعلیق دارایی‌های آن‌ها کردند؛ آن‌ها یک قانون سختگیرانه جدید وضع کردند که به دولت اختیارات وسیعی داد که سازمان‌های غیردولتی را منحل کند و انتشار گزارش‌های تحقیقی بدون اجازه دولت را با پنج سال حبس مجازات کند. مقامات مصری همچنین حداقل ۱۵ روزنامه‌نگار را با اتهامات مرتبط با نوشته‌های آن‌ها از جمله انتشار آنچه مقامات آن را «اطلاعات دروغین» دانستند، به حبس محکوم کردند؛ آن‌ها بیش از ۴۰۰ وبسایت را نیز که شامل وبسایت‌های روزنامه‌های مستقل و سازمان‌های حقوق بشری می‌شد مسدود کردند. در عین حال نیروهای امنیتی صدها نفر را به دلیل عضویت واقعی یا متصور در گروه اخوان المسلمین دستگیر کردند. مقامات برای مجازات مخالفان سیاسی آن‌ها را قبل از محاکمه به صورت طولانی مدت و اغلب برای بیش از دو سال بازداشت کردند، افراد زندانی را به طور دائمی و طولانی مدت در سلول‌های انفرادی قرار دادند و بسیاری از زندانیان آزاد شده را ملزم به سپری کردن ۱۲ ساعت در روز در بازداشتگاه پلیس کردند که مصداق سلب خودسرانه آزادی است.

گزارش سالانه ۲۰۱۷

وضعیت جهانی حقوق بشر

عفو بین‌الملل

صحنه‌ی سیاسی عربستان سعودی با ارتقای محمد ابن سلمان به سمت ولیعهد در ماه ژوئن دستخوش مهندسی مجدد شد. مقامات با بازداشت بیش از ۲۰ شخصیت برجسته دینی، نویسنده، روزنامه‌نگار، دانشگاهی و فعال در طی یک هفته در ماه سپتامبر به سرکوب آزادی بیان شدت بخشیدند. آنها همچنین مدافعان حقوق بشر را به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز متهم به ارتکاب جرم کرده و در دادگاه‌های ویژه ی کیفری که مسئول رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با تروریسم هستند، محاکمه کردند. در انتهای سال برخلاف تصویری که پادشاهی سعود می‌خواست از رشد مدارا و رواداری در کشور ترسیم کند، اکثر مدافعان حقوق بشر در عربستان سعودی یا در زندان بودند و یا تحت محاکمات به شدت ناعادلانه قرار داشتند.

حملات به روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر

در نقاط دیگر منطقه، دفاع از حقوق بشر، خبرنگاری و نقد نهادهای دولتی منجر به پیگرد قانونی و حبس و در برخی موارد کمپین‌های افترا و هتک شخصیت طراحی شده از طرف دولت یا هواداران آن شد.

در ایران، مقامات تعدادی زیادی از منتقدان مسالمت‌جو از جمله فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق اقلیت‌ها، فعالان محیط زیست، فعالان اتحادیه‌های کارگری، وکلا و کسانی که در پی حقیقت، عدالت و اقدامات ترمیمی برای اعدام‌های دسته جمعی دهه ۶۰ بودند را به زندان انداختند.

در بحرین دولت به‌طور خودسرانه مدافعان حقوق بشر و منتقدان دولت را بازداشت و دیگران را به ممنوعیت از سفر یا سلب ملیت آن‌ها محکوم کرد، روزنامه مستقل الوساط و گروه سیاسی مخالف وعد را منحل کرد، به ممنوعیت تظاهرات در پایتخت کشور، منامه، ادامه داد و از زور بیش از حد و غیرضروری برای متفرق کردن اعتراضات در نقاط دیگر کشور استفاده کرد.

در مراکش و صحرای غربی مقامات تعدادی خبرنگار، وبلاگ نویس و فعال که از مسئولان انتقاد کرده یا در مورد نقض حقوق بشر، فساد یا اعتراضات مردمی گزارش داده بودند را تحت پیگرد قانونی قرار داده و زندانی کردند. یک نمونه از این گزارش‌دهی درباره دستگیری گسترده تعداد زیادی معترض صلحجو از جمله چندین کودک در منطقه ریف شمالی و توسل بیش از حد و غیرضروری نیروهای امنیتی به نیروی قهریه بود.

مقامات کویت چند منتقد دولت و فعال اینترنتی را به زندان انداختند. مبنای این اقدام قانونی بود که بیان اظهاراتی که از نظر مقامات نسبت به امیر کویت توهین‌آمیز است یا روابط با کشورهای همسایه را خدشه‌دار می‌کند را به عنوان جرم تعریف کرده است.

در اقلیم کردستان عراق، تعدادی روزنامه‌نگار و فعال اینترنتی تحت دستگیری خودسرانه، تهدید به اعدام و کمپین‌های افترا و هتک شخصیت قرار گرفتند و این روند در آستانه همه‌پرسی ماه سپتامبر که به درخواست رئیس اقلیم کردستان عراق برگزار شد تشدید یافت.

در یمن، گروه مسلح حوثی منتقدان، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر را در پایتخت آن کشور صنعا و دیگر مناطق تحت کنترل خود به‌طور خودسرانه دستگیر و بازداشت کرد.

افرادی که همکار یا حامی سازمان‌هایی بودند که از نظر مقامات اسرائیل اقدام به صدور یا ترویج فراخوان‌های تحریم اسرائیل یا نهادهای اسرائیلی از جمله در شهرک‌ها کرده بودند، از ورود به اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین منع شدند. مقامات اسرائیل همچنین سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری فلسطینی و اسرائیلی را هدف آزار و اذیت و کمپین‌هایی برای تضعیف کار آن‌ها قرار داده و نیروهایی را در کرانه

باختری و نوار غزه مستقر کردند که علیه معترضان فلسطینی از گلوله‌های فلزی با روکش لاستیکی و مهمات گرم استفاده کردند و باعث کشته شدن دستکم ۲۰ نفر و زخمی شدن هزاران نفر شدند.

سرکوب اینترنتی

به غیر از مصر، دولت‌های دیگر نیز اقدام به تشدید کنترل آزادی بیان در فضای اینترنت کردند. دولت فلسطین در ماه ژوئیه قانون جرائم الکترونیک را تصویب کرد که بازداشت خودسرانه روزنامه‌نگاران، افشاگران و منتقدان دولت در فضای اینترنت را ممکن می‌سازد. این قانون صدور مجازات زندان و تا ۲۵ سال کار دشوار را برای هر شخص که گمان رود «نظم عمومی»، «وحدت ملی» یا «آرامش اجتماعی» را مختل کرده مجاز می‌شمارد. چندین روزنامه‌نگار و مدافع حقوق بشر فلسطینی طبق این قانون متهم شناخته شدند.

اردن مسدود کردن دسترسی به چند وبسایت مشخص و اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی را ادامه داد. عمان انتشار آنلاین روزنامه موطن را متوقف کرد و پسرزده‌های محاکمه روزنامه الزمن و برخی از روزنامه‌نگاران آن همچنان در فضای عمومی ادامه داشت. پیگرد این روزنامه در سال ۲۰۱۶ پس از انتشار گزارشی که دولت و دستگاه قضایی را متهم به فساد کرد، آغاز شد. در ایران، مسئولین قضایی تلاش کردند برنامه پیام‌رسان تلگرام را مسدود کنند ولی به دلیل مخالفت دولت ناموفق ماندند؛ دیگر شبکه‌های اجتماعی محبوب مانند فیسبوک، توئیتر و یوتیوب هنوز مسدود هستند.

بحران سیاسی خلیج فارس

بحران سیاسی در خلیج فارس در ماه ژوئن هنگامیکه عربستان سعودی، امارت متحده عربی، بحرین و مصر روابط خود را با قطر قطع کرده و آن را به تامین بودجه و پناه دادن به تروریست‌ها و دخالت در امور داخلی همسایگانش متهم کردند، تأثیری فرای فلج کردن شورای همکاری خلیج فارس بر جای گذاشت. بحرین، عربستان سعودی و امارت متحده عربی اعلام کردند که با هرگونه انتقاد از اقدامات صورت گرفته علیه قطر یا همدردی با قطر و مردمش به صورت جرم که مجازات زندان در بر خواهد داشت برخورد خواهند کرد.

مبارزه جامعه مدنی

با این همه جامعه مدنی تلاش‌های زیادی برای متوقف کردن افزایش اقدامات محدود کننده‌ی آزادی بیان انجام داد. در تونس فعالان لایحه‌ی جدیدی را که می‌توانست موجب تقویت مصونیت شود متوقف ساختند. این لایحه انتقاد از رفتار پلیس را به عنوان جرم تعریف کرده و ماموران را تحت مصونیت در مقابل پیگرد قانونی برای استفاده غیرضروری از نیروی مهلک قرار می‌داد. در فلسطین مقامات پس از فشار شدید از سوی جامعه مدنی با اصلاح قانون جرائم الکترونیک موافقت کردند.

آزادی عقیده و مذهب

تخطی‌های گروه‌های مسلح

گروه‌های مسلح در برخی کشورها، اقلیت‌های مذهبی را آماج حملات خود قرار دادند. گروه مسلحی که خود را حکومت اسلامی (داعش) می‌خواند و دیگر گروه‌های مسلح تعدادی زیادی غیرنظامی را از طریق بمبگذاری‌های انتحاری و دیگر حملات کشنده که مقبره‌های دینی شیعیان و اماکن عمومی دیگر در محله‌های عمدتاً شیعه‌نشین را هدف قرار می‌داد کشته و زخمی کردند. سازمان ملل در گزارشی در ماه ژانویه اعلام کرد که نزدیک به ۲۰۰۰ زن و کودک یزیدی در عراق و سوریه در اسارت گروه داعش باقی مانده بودند. آن‌ها به عنوان برده گرفته شده و در معرض تجاوز، ضرب و شتم و شکنجه‌های دیگر قرار گرفتند. در مصر داعش مسئولیت بمب‌گذاری دو کلیسا را در ماه آوریل به عهده گرفت که حداقل ۴۴ کشته برجای گذاشت و افراد مسلح ناشناس با تفنگ و بمب به یک مسجد در سینای شمالی در طی نماز جمعه در ماه نوامبر حمله کردند و باعث کشته شدن ۳۰۰ نمازگزار مسلمان صوفی شدند. این مرگبارترین حمله‌ای است که در مصر از سال ۲۰۱۱ توسط یک گروه مسلح انجام شده بود.

در یمن حوثی‌ها و متحدان آن‌ها اعضای جامعه بهایی را تحت دستگیری و بازداشت خودسرانه قرار دادند.

محدودیت‌های دولتی

در الجزایر مقامات یک موج جدید سرکوب علیه جنبش دینی احمدی به راه انداختند و در طول سال بیش از ۲۸۰ احمدی به دلیل باورها و اعمال مذهبی خود محاکمه شدند.

در مناطق دیگر نیز، محدودیت‌های دولتی از روندی آشنا پیروی کرد. در عربستان سعودی مقامات علیه اقلیت مسلمان شیعه به دلیل عقیده آنها تبعیض قائل شده، حق آن‌ها در بیان مذهب و دسترسی آن‌ها به عدالت را محدود کرده و به‌طور خودسرانه حق آنها برای استخدام و دسترسی به خدمات دولتی را محدود ساختند. فعالان شیعه با دستگیری و حبس و در برخی موارد احکام اعدام روبرو شدند. این احکام پس از محاکمه‌های ناعادلانه صادر شد.

در ایران آزادی عقیده و مذهب در قانون و در عمل به‌طور سازمان‌یافته نقض شد. حملات وسیع و سازمان‌یافته علیه اقلیت مذهب بهایی ادامه یافت. این حملات شامل دستگیری‌های خودسرانه، حبس طولانی مدت، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر، بستن اجباری کسب و کار بهاییان، مصادره اموال بهاییان، ممنوعیت استخدام آنها در بخش عمومی و عدم پذیرش در دانشگاه‌ها بود. دیگر اقلیت‌های مذهبی که تحت قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند مانند یارسان (اهل حق) نیز با تبعیض سازمان‌یافته از جمله در آموزش و پرورش و استخدام روبرو شده و به دلیل اعمال دینی خود مورد آزار و اذیت واقع شدند. حق تغییر یا ترک مذهب نیز مورد نقض قرار گرفت. تعدادی از نوکیشان مسیحی احکام زندان از ۱۰ تا ۱۵ سال دریافت کردند.

حقوق زنان

تلاش‌های سابقه‌دار توسط جنبش‌های حقوق زنان منجر به پیشرفت‌هایی در طول سال شد.

در اردن، لبنان و تونس قوانین اصلاح شد تا متجاوزان دیگر نتوانند از طریق ازدواج با قربانیان خود از پیگرد قانونی فرار کنند یا از تخفیف مجازات بهره‌مند شوند. اما این معضل در قوانین چندین کشور همچنان باقی ماند. اردن یک ماده از قانون را ابطال کرد که برای مردانی که یکی از بستگان زن خود را «تحت خشم ناشی از عمل غیرقانونی یا خطرناک قربانی» به قتل رسانده بودند، تخفیف مجازات قائل می‌شد ولی قانون همچنان مجازات‌های سبک‌تری برای قتل‌هایی که ماهیت «ناموسی» داشتند و به گفته متن قانون در مواجهه با «شرایط زناکارانه» صورت می‌گرفتند، در نظر گرفت. مجلس تونس، قانون حذف خشونت علیه زنان را که شامل تعدادی ضمانت‌های اجرایی برای حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت جنسیتی می‌شود، تصویب کرد و رئیس جمهور تونس فرمان منع ازدواج زنان تونس با مردان غیرمسلمان را لغو نمود.

در قطر، پیش‌نویس یک قانون تصویب شد که فرزندان زنان قطری مزدوج با غیرقطری‌ها را از حقوق اقامت دائم برخوردار می‌سازد ولی ممنوعیت تبعیض‌آمیز انتقال ملیت و تابعیت از مادران به فرزندان ادامه پیدا کرد.

در عربستان سعودی، در ماه سپتامبر حکمی سلطنتی صادر شد که به زنان اجازه رانندگی از اواسط سال ۲۰۱۸ را می‌دهد. پرسش‌هایی در مورد چگونگی اجرای این فرمان در عمل باقی ماند. در ماه آوریل، یک حکم سلطنتی دیگر به همه نهادهای دولتی ابلاغ شد که اعلام کرد زنان در صورت همراه نداشتن قیم مذکر نباید از دسترسی به خدمات دولتی محروم شوند مگر اینکه مقررات موجود آن را ملزم کند. این حکم به نظر می‌رسد مقرراتی را که به‌طور آشکار رضایت قیم را در خصوص مواردی مانند مسافرت زنان به خارج، گرفتن گذرنامه یا ازدواج الزامی می‌کند، حفظ نموده است.

با وجود پیشرفت‌های مثبت، تبعیض‌های نهادینه علیه زنان در قانون و در عمل و به خصوص در رابطه با موضوعات ازدواج و طلاق، وراثت و سرپرستی فرزند در کشورهای منطقه باقی ماند. زنان به میزان کافی در برابر خشونت جنسی و جنسیتی و نیز ازدواج اجباری و زودهمنگام محافظت نشدند.

حقوق زنان و مردان همجنسگرا، افراد ترنسجندر و افراد بیناجنسی

با اینکه مسائل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی به‌طور فزاینده در دستور کار جنبش‌های اصلی حقوق بشر در منطقه قرار گرفت ولی دولت‌ها همچنان بهره‌مندی زنان و مردان همجنسگرا، افراد ترنسجندر و افراد بیناجنسی از حقوق انسانی‌شان را به شدت در قانون و در عمل محدود کردند.

در مصر، مقامات پس از به نمایش گذاشتن یک پرچم رنگین کمان در محل کنسرت گروه لبنانی مشروع لیلی، که در در ماه سپتامبر در قاهره برگزار شد، سرکوبی شدید و بی‌سابقه در طی یک دهه گذشته به راه انداختند و تعداد زیادی را بر اساس گرایش جنسی متصورشان بازداشت و تحت پیگرد قانونی قرار دادند. گروه مشروع لیلی پیشتر از اجرای کنسرت در اردن منع شده بود. نیروهای امنیتی در مصر حداقل ۷۶ نفر را دستگیر کرده و از حداقل پنج نفر معاینه مقعدی به عمل آوردند، عملی که شکنجه به حساب می‌آید. دادگاه‌ها حداقل ۴۸ نفر را به دوران حبس بین سه ماه تا شش سال با اتهاماتی مانند «عادت به الواطی» محکوم کردند. در ماه اکتبر، نمایندگان مجلس مصر یک قانون به شدت تبعیض‌آمیز را پیشنهاد کردند که به‌طور صریح روابط همجنسگرایانه و هر نوع تبلیغ در مورد گردهمایی‌ها، نمادها و پرچم‌های زنان و مردان همجنسگرا، افراد ترنسجندر و افراد بیناجنسی را به عنوان جرم تعریف می‌کند.

کشورهایی از جمله مراکش و تونس به دستگیری افراد و محکومیت آن‌ها به حبس، مطابق با قوانین کیفری که روابط جنسی همجنسگرایانه رضایت‌مندانه را جرم‌انگاری کرده است، ادامه دادند. در تونس پلیس در حالی مردان متهم به چنین روابطی را در معرض معاینات مقعدی

اجباری قرار داد که دولت آن کشور در ماه سپتامبر پیشنهاد اتمام چنین معایناتی را در جلسه بررسی ادواری جهانی تونس در شورای حقوق بشر سازمان ملل پذیرفت. در کشورهای ایران و عربستان سعودی، برخی اعمال جنسی همجنسگرایانه رضایتمندانه همچنان با مجازات اعدام همراه بود.

حق کار

اتحادیه‌های کارگری

برخی دولت‌ها حقوق اتحادیه‌های کارگری را به شدت محدود کردند.

در مصر مقامات تعداد زیادی کارگر و اعضای اتحادیه‌های کارگری را تحت دستگیری، محاکمه نظامی، اخراج از کار و طیفی از اقدامات انضباطی تنها به دلیل به اجرا گذاشتن حق اعتصاب و حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل قرار دادند. در ماه دسامبر مجلس قانونی را تصویب کرد که طبق آن تعداد اعضا مورد نیاز اتحادیه‌های کارگری مستقل برای گرفتن اعتبار قانونی را سه برابر کرد (از ۵۰ به ۱۵۰).

در الجزایر مقامات به رد درخواست ثبت کنفدراسیون مستقل عمومی برای کارگران الجزایری که اولین بار در سال ۲۰۱۳ درخواست ثبت داده بود ادامه دادند و اتحادیه مستقل ملی برق و اتحادیه کارگری گاز را از طریق لغو اعتبار آن‌ها ممنوع ساختند.

حقوق کارگران مهاجر

در سراسر خلیج فارس و در کشورهای دیگر مانند عمان و لبنان، کارگران مهاجر، از جمله آن‌هایی که در محیط خانه و در بخش ساختمان سازی کار می‌کنند، همچنان با بدرفتاری و استثمار روبرو بودند. با این وجود، در چند زمینه پیشرفت‌هایی صورت گرفت. قطر در ماه اوت دو قانون جدید تصویب کرد. یکی از آن‌ها یک سازوکار حل اختلاف ایجاد کرده است که می‌تواند برخی از موانع دسترسی کارگران مهاجر به عدالت را رفع کند. قانون دیگر برای اولین بار کارگران خانگی را مورد حمایت قانونی در خصوص مواردی مانند مرخصی استحقاقی و محدودیت ساعات کاری، قرار داده است. با این وجود این قانون مستعد سوءاستفاده باقی ماند زیرا یکی از مواد آن اجازه می‌دهد کارگران خانگی در صورت توافق بیش از حد قانونی کار کنند. در ماه اکتبر، دولت قطر یک برنامه‌ی اصلاحاتی جدید از جمله تعیین حداقل دستمزد و تاسیس یک صندوق مالی برای پرداخت حقوق‌های پرداخت نشده کارگران اعلام کرد. سازمان جهانی کار جزئیات بسته‌ای را که با قطر برای اصلاح سیستم «کفاله» در آن به توافق رسیده بود منتشر کرد. این سیستم از تغییر شغل کارگران مهاجر یا ترک کشور بدون اجازه کارفرما جلوگیری می‌کرد.

در امارت متحده عربی قانونی در ماه سپتامبر به اجرا گذاشته شد که ساعات کاری را محدود و مرخصی با حقوق و حق حفظ پرونده‌های شخصی را فراهم نمود.

حق مسکن، آب و سلامتی

اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین

گزارش سالانه ۲۰۱۷
وضعیت جهانی حقوق بشر
عفو بین‌الملل

امسال پنجاهمین سالگرد اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط اسرائیل و دهمین سالگرد محاصره غیرقانونی نوار غزه بود. مقامات اسرائیل به گسترش شهرک‌سازی‌ها و زیرساخت‌های مرتبط با آن در سرتاسر کرانه باختری از جمله اورشلیم شرقی شدت بخشیدند و تعداد زیادی از منازل فلسطینیان را تخریب و بیش از ۶۰۰ نفر را از خانه‌هایشان بیرون راندند. بسیاری از این تخریب‌ها علیه بادیه‌نشینان و جوامع چوپانی صورت گرفت که مقامات اسرائیل قصد جابه‌جایی اجباری آن‌ها را داشتند.

محاصره هوایی، زمینی و دریایی نوار غزه توسط اسرائیل موجب استمرار محدودیت‌های شدید در حرکت مردم و انتقال کالا و اجناس شد. این وضعیت مجازات جمعی کل جمعیت دو میلیون نفری غزه است. محاصره غزه توسط اسرائیل، به همراه انسداد کامل گذرگاه مرزی رفح توسط مصر و اقدامات تنبیهی مقامات کرانه باختری، باعث ایجاد بحران انسانی از جمله قطع برق، دسترسی محدود به برق به مدت تنها چند ساعت در روز، تاثیر مخرب بر منابع آب تمیز و کاهش دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی شد.

در نقطه دیگر در منطقه، پناهجویان فلسطینی از جمله پناهجویان قدیمی در معرض قوانین تبعیض‌آمیز باقی ماندند. در لبنان آن‌ها از استخدام در طیف گسترده‌ای از مشاغل، تملک یا به ارث بردن املاک و از دسترسی به آموزش عمومی و خدمات پزشکی محروم ماندند.

آب، بهداشت و سلامت

جامعه مدنی تعدادی شکایت در رابطه با نقض حق سلامتی و داشتن آب پاک از جمله در ارتباط با فروش داروهای تاریخ گذشته در بیمارستان‌های عمومی و سوءمدیریت زباله، در دادگاه‌های لبنان به ثبت رساند.

در تونس کمبود آب به وضعیت حاد رسید. دولت اقرار کرد که راهبردهای ملی برای توزیع آب وضع نکرده بوده و این امر باعث عدم دسترسی برابر به آب شده است. مناطق حاشیه‌نشین به‌طور نامتناسبی تحت تاثیر قطعی آب قرار گرفتند که به اعتراضات محلی در طول سال انجامید.

مبارزه با تروریسم و امنیت

در برخی کشورها اقدامات ضدتروریستی با نقض جدی حقوق بشر همراه بود.

در مصر، بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای امنیتی در طی حمله‌های گروه‌های مسلح به خصوص در سینای شمالی کشته شدند و آژانس امنیت ملی در مقابل به ناپدید کردن اجباری و اعدام غیرقانونی افراد مظنون به جرائم سیاسی ادامه داد. به ادعای وزارت کشور بیش از ۱۰۰ نفر در تبادل آتش با نیروهای امنیتی در طول سال کشته شدند. اما در بسیاری از این موارد، افراد کشته شده از قبل تحت بازداشت دولتی قرار گرفته و ناپدید گشته بودند. شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر در بازداشتگاه‌های دولتی متداول و در بازداشتگاه‌های تحت نظارت آژانس امنیت ملی سازمان یافته بود. صدها نفر پس از محاکمات جمعی به شدت ناعادلانه به اعدام محکوم شدند.

در عراق، افراد مظنون به اتهامات تروریستی دائما از حق برخورداری از زمان و امکانات کافی برای تهیه دفاعیه، حق محافظت در مقابل اجبار به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت و حق سوال و جواب متقابل از شاهدان دادستانی محروم شدند. دادگاه‌ها اعترافات گرفته شده تحت شکنجه را همچنان به عنوان مدرک مجرمیت پذیرفتند. بسیاری از افرادی که مورد محاکمات ناعادلانه و شتاب‌زده قرار گرفتند متعاقبا به اعدام محکوم شدند. نیروهای دولتی عراقی و کرد و شبه‌نظامیان نیز مردان و پسران مظنون به همکاری با داعش را به طور فراقضایی اعدام کردند.

در کشورهای از جمله بحرین، اسرائیل و کویت گزارش‌هایی مبنی بر شکایت افراد متهم به جرائم امنیتی از شکنجه در دوران بازداشت دریافت شد. به طور کلی، شکایات از شکنجه مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفتند. عربستان سعودی یک قانون ضدتروریستی جدید معرفی کرد که مجازات اعدام را برای برخی جرائم مجاز شمرده است. در تونس دولت به محدود کردن آزادی حرکت از طریق احکام خودسرانه و نامحدود که صدها نفر را به استان محل سکونت خود محدود می‌کرد ادامه داد و این اقدام را با عنوان جلوگیری از پیوستن تونس‌ها به گروه‌های مسلح توجیه کرد.

مجازات اعدام

ایران، عراق و عربستان سعودی با اجرای صدها اعدام که بسیاری از آن‌ها پس از محاکمات ناعادلانه انجام شد جز گروه بیشترین استفاده کنندگان مجازات اعدام در جهان باقی ماندند. سازمان عفو بین‌الملل قادر به تایید اعدام چهار نفر در ایران که در هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند، بود و اعدام چندین محکوم نوجوان دیگر در لحظات آخر به دلیل اطلاع رسانی و کارزارهای مردمی به تعویق افتاد. مقامات ایران کمپین‌های مسالمت‌آمیز علیه مجازات اعدام را همچنان «غیراسلامی» توصیف کرده و فعالان مخالف با مجازات اعدام را مورد آزار و اذیت قرار داده و زندانی کردند. در عربستان سعودی، دادگاه‌ها به صدور مجازات اعدام برای جرائم مرتبط با مواد مخدر و برای اعمالی مانند «ساحری» یا «زنا» که طبق استانداردهای بین‌المللی نباید جرم به شمار بیایند، ادامه دادند. در عراق از مجازات اعدام همچنان به عنوان ابزاری برای تلافی جویی و پاسخ به خشم عمومی در روزهای پس از حملاتی که داعش مسئولیت آن‌ها را بر عهده گرفت، استفاده شد.

بحرین و کویت هر دو در ماه ژانویه اجرای احکام اعدام را برای اولین بار به ترتیب از سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ از سر گرفتند؛ این احکام برای قتل صادر شده بود. مصر، اردن، لیبی و دولت حماس در نوار غزه نیز اعدام‌هایی را اجرا کردند. باقی کشورهای منطقه به جز اسرائیل و عمان به روند قدیمی صدور احکام اعدام ادامه دادند اما همانند گذشته این احکام را به اجرا نگذاشتند.

درگیری‌های نظامی

درگیری‌های نظامی در منطقه، که با تجارت بین‌المللی اسلحه تقویت می‌شد، به تخریب زندگی میلیون‌ها نفر به ویژه در یمن، لیبی، سوریه و عراق ادامه داد. در هر یک از درگیری‌ها، چندین نیرو مرتکب جرائم جنگی و دیگر تخلفات جدی از جمله موارد زیر شدند: حملات بدون تبعیض که باعث کشته و زخمی شدن غیرنظامیان شد و حملات مستقیم علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی. در سوریه و یمن، دولت و نیروهای حامی از تسلیحات ممنوعه بین‌المللی مانند مهمات خوشه‌ای و در مورد سوریه سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند.

درگیری یمن

شرایط در یمن، که تا قبل از شروع درگیری‌ها در مارس ۲۰۱۵ فقیرترین کشور خاورمیانه و شمال آفریقا بود، به بدترین بحران انسانی جهان تبدیل شد. به گفته سازمان ملل، سه چهارم جمعیت ۲۸ میلیونی کشور نیازمند کمک بودند. یمن با بزرگترین اپیدمی وبا در دوران مدرن روبرو شد که با نبود سوخت برای ایستگاه‌های پمپ آب شدت یافت و همچنین در آستانه‌ی شدیدترین قحطی جهان در طی دهه‌ها قرار گرفت. این درگیری زیرساخت‌های آب، آموزش و پرورش و بهداشتی کشور را نابود کرد. ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، که از دولت به

رسمیت شناخته شده یمن در سطح بین‌المللی حمایت می‌کند، مانع ورود و ارسال غذا، سوخت و دارو شد و در ماه نوامبر، بندرهای شمال یمن را برای بیش از دو هفته کاملاً مسدود کرد. حملات هوایی ائتلاف به مراسم تشییع جنازه، مدارس، بازارها، مناطق مسکونی و قایق‌های غیرنظامیان اصابت کرد. نیروهای شورشی حوثی مناطق مسکونی غیرنظامیان در شهر تعز را بدون تبعیض بمباران کردند و از پشت مرز، سرزمین‌های عربستان سعودی را بدون تبعیض گلوله‌باران و غیرنظامیان را کشته و زخمی کردند.

واکنش بین‌المللی به حکومت اسلامی

هم در سوریه و هم در عراق، ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده مجدداً توجه خود را بر مقابله با داعش که مسئول تجاوزات گسترده و شدید بوده متمرکز کرد. در نتیجه این اقدامات نظامی، صدها نفر جان باختند. در موصل، دومین شهر بزرگ عراق، داعش هزاران غیرنظامی را به اجبار و در تلاش برای ایجاد سپر دفاعی برای جنگجویان خود به مناطق فعال جنگی منتقل کرده و غیرنظامیانی که میخواستند از جنگ بگریزند را عامدانه کشته و بدن‌هایشان را به عنوان هشدار برای دیگران در ملاءعام آویخت. در جدال برای بیرون راندن داعش از موصل غربی، نیروهای عراقی و ائتلاف مجموعه‌ای از حملات نامتناسب یا بدون تبعیض را با تاثیرات ویرانگر آغاز کردند که باعث کشته شدن صدها غیرنظامی شد. نیروهای عراقی به طور مداوم از تسلیحات منفجره با تاثیر در منطقه‌ای وسیع مانند مهمات موشکی دست‌ساز، که قابلیت هدف گیری دقیق به سمت اهداف نظامی را ندارند، استفاده کردند یا آن‌ها را به طور غیرقانونی در مناطق پرجمعیت غیرنظامیان به کار بردند.

در سوریه، پس از یک کارزار نظامی توسط نیروهای دموکراتیک سوریه شامل گروه‌های مسلح کرد سوری و عرب و ائتلاف به رهبری آمریکا، داعش کنترل استان رقه را از دست داد. داعش از فرار ساکنان جلوگیری و از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده کرد و با حملات مستقیم و بدون تبعیض باعث کشته و زخمی شدن غیرنظامیان شد. حملات هوایی ائتلاف نیز باعث تلفات صدها غیرنظامی شد. نیروهای دولتی سوریه، که تحت حمایت نیروی زمینی جنگجویان ایرانی و حزب الله و نیروی هوایی روسیه قرار داشتند، کنترل مناطقی که قبلاً در تصرف داعش و دیگر گروه‌های مسلح بود را در دست گرفتند. در این پروسه، آنها با حملات بدون تبعیض و حملات مستقیم به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی مانند مسکن، بیمارستان‌ها و اماکن پزشکی باعث کشته و زخمی شدن غیرنظامیان شدند.

محاصره و تغییر مکان غیرنظامیان در سوریه

دولت سوریه به محاصره طولانی مدت مناطق عمدتاً غیرنظامی ادامه داد و با حملات هوایی مکرر، شلیک توپ و گلوله و حملات دیگر حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر را از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، اجناس و خدمات اساسی دیگر و مساعدت‌های انسان‌دوستانه محروم ساخت. گروه‌های مخالف مسلح نیز مسئول محاصره هزاران غیرنظامی و موشکباران بدون تبعیض و حملات خمپاره‌ای به مناطق تحت کنترل دولت بودند و غیرنظامیان را کشته یا مجروح کردند. هزاران غیرنظامی تاثیر دشوار جابجایی تحمیلی را پس از توافقات «آشتی» در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ و اوایل سال ۲۰۱۷ تجربه کردند. آن‌ها تنها بخشی از ۶،۵ میلیون نفری بودند که بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۷ در سوریه آواره شدند. در طول سال بیش از نیم میلیون نفر از سوریه گریختند و عدد کل پناهجویان سوری به بیش از ۵ میلیون نفر رسید.

اقلیم کردستان عراق

نیروهای دولت فدرال عراق در واکنش به همه‌پرسی استقلال برای اقلیم کردستان عملیات تازه‌ای را آغاز کرده و فوراً توانستند شهر مورد نزاع کرکوک و بیشتر سرزمین‌های تسخیرشده توسط نیروهای پیشمرگه کرد در جنگ با داعش را باز پس گیرند. در ماه اکتبر پس از شروع

درگیری‌های شدید بین نیروهای دولتی عراق و حامیان شبه نظامی آن‌ها از یک طرف و نیروهای پیشمرگه در شهر چند قومیتی طوز خورماتو در طرف دیگر، ده‌ها هزار غیرنظامی مجبور به فرار از خانه‌هایشان شدند؛ حداقل ۱۱ غیرنظامی در حملات بدون تبعیض کشته شدند.

بی‌قانونی در لیبی

سه دولت رقیب و صدها شبه نظامی و گروه‌های مسلح به رقابت بر سر قدرت و کنترل قلمرو، راه‌های تجاری پرسود و مناطق نظامی استراتژیک در لیبی ادامه دادند. شبه نظامیان و گروه‌های مسلح به حملات بدون تبعیض در مناطق پرجمعیت دست زدند که منجر به کشته شدن غیرنظامیان شد، سربازان اسیر از گروه‌های رقیب را اعدام کردند و صدها نفر از جمله فعالان سیاسی و حقوق بشر را به دلیل اصل و نسب، عقاید، وابستگی سیاسی متصور یا ثروت مشاهده متصور به طور غیرقانونی ربوده و زندانی کردند. تا ۲۰۰۰ پناه‌جو و مهاجر به‌طور خودسرانه و نامحدود در بازداشت‌گاه‌های پرازدحام و غیربهداشتی نگه‌داری شدند و در معرض شکنجه، کار اجباری، اخاذی و کشتار غیرقانونی به دست مقامات و شبه نظامیانی که آن مراکز را اداره می‌کردند قرار گرفتند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا به خصوص ایتالیا به واسطه همکاری با گارد ساحلی لیبی و مراکز بازداشت مهاجرین، در این بدرفتاری‌ها و موارد نقض حقوق بشر دخیل هستند.

مصونیت از مجازات

نگرانی‌ای جدی درباره مصونیت از مجازات برای تخلفات شدید به قوت خود باقی ماند.

در عراق مقامات در واکنش به برخی اتهامات در مورد تخلفات جدی صورت گرفته توسط نیروهای عراقی و شبه نظامیان طرفدار دولت مانند شکنجه، اعدام‌های فراقضایی و ناپدید کردن اجباری تحقیقاتی را آغاز کردند. با این وجود، آنها دائماً از انتشار عمومی یافته‌های خود سرباز زدند. در لیبی، ناکارآمدی دستگاه قضایی با عدم پیگیری وارد تخطی از سوی مقامات دادستانی به دلیل ترس از تلافی همراه شد. در سوریه، دستگاه قضایی فاقد استقلال بود و نتوانست جرائم صورت گرفته از سوی نیروهای دولتی را مورد تحقیق و پیگرد قانونی قرار دهد. در یمن، کمیسیون ملی تحقیق در مورد تخلفات ادعایی حقوق بشر که توسط دولت ایجاد شد نتوانست در مورد تخلفات مورد ادعا که توسط همه طرف‌های درگیر در یمن صورت گرفته بود تحقیقاتی مطابق با استانداردهای بین‌المللی انجام دهد.

پیشرفت‌های آهسته

تنها مکانیسم ملی عدالت انتقالی در سطح منطقه کمیسیون حقیقت و کرامت تونس بود که مسئولیت رسیدگی به تخلفات حقوق بشر صورت گرفته بین ژوئیه ۱۹۵۵ و دسامبر ۲۰۱۳ را به عهده دارد. این کمیسیون ۱۱ جلسه عمومی برگزار کرد و در این جلسات قربانیان و ناقضان درباره طیفی از تخلفات از جمله تقلب در انتخابات، ناپدید کردن‌های اجباری و شکنجه شهادت دادند. با این وجود، پیشرفتی در توافق برای ارجاع پرونده‌ها به دادگاه‌های ویژه قضایی حاصل نشد و نهادهای امنیتی همچنان از ارائه اطلاعات درخواست شده به کمیسیون برای پیشبرد تحقیقات سر باز زدند.

در سطح بین‌المللی، برخی ابتکارات قابل توجه ادامه پیدا کرد ولی به آهستگی پیش رفت. دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی تحقیقات مقدماتی خود در مورد ادعاهای ارتکاب جرائم بین‌المللی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ و از جمله در مقطع

درگیری غزه و اسرائیل در سال ۲۰۱۴ را ادامه داد. این دفتر در لیبی نیز دامنه تحقیقات خود درباره رهبران سیاسی و نظامی را وسیع تر کرد تا به بدرفتاری‌های گسترده و سازمان یافته با مهاجران نیز رسیدگی کند.

ابتکارات دیگری نیز در پیش گرفته شدند که حاوی جنبه‌های مثبتی بودند ولی مورد تضعیف یا تخریب واقع شدند. شورای امنیت سازمان ملل در ماه سپتامبر قطعنامه‌ای در راستای رسیدگی و حسابرسی به جرائم جنگی و تخلفات حقوق بشری داعش در عراق تصویب کرد اما متأسفانه این قطعنامه بندهای مشابهی برای تضمین رسیدگی به جرایم ارتکاب یافته توسط نیروهای عراقی، شبه‌نظامیان و ائتلاف به رهبری ایالات متحده تعریف نکرد. مکانیسم تحقیقاتی مشترک سازمان ملل متحد و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در تعیین عوامل مسئول در استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه پیشرفت‌هایی داشت ولی تمديد ماموریت این مکانیسم تحقیقاتی در شورای امنیت توسط روسیه وتو شد.

دو تحول موجب افزایش امید دستیابی به حقیقت و عدالت برای قربانیان موارد نقض حقوق بشر در دو درگیری ادامه‌دار شد. «مکانیسم مستقل، بی طرف و بین‌المللی برای همکاری در تحقیق و تعقیب افراد مسئول شدیدترین جرایم بین‌المللی ارتکاب یافته شده در جمهوری عربی سوریه از مارس ۲۰۱۱» پیش‌تر در دسامبر ۲۰۱۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسماً تاسیس شده بود، شکل عملی به خود گرفت. شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه‌ای را در ماه سپتامبر برای ایجاد یک هیئت کارشناس برای رسیدگی به تخلفات همه‌ی طرفین درگیر در یمن تصویب کرد. هر دو این تحولات پس از تلاش‌های گسترده و مستمر سازمان‌های حقوق بشری صورت گرفت.